

بررسی روش تدریس یادگیری مشارکتی و تأثیر آن بر ارتقای انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

روح‌الله قربانی^۱، فاطمه احمدی^۲، فرزانه پور سلطانی^۳

^۱ دکترای علوم و حدیث قرآنی، دانشگاه فرهنگیان، همدان، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی آموزش علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان همدان، همدان، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی آموزش علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان همدان، همدان، ایران

چکیده

یادگیری مشارکتی یکی از روش‌های آموزشی نوین است که در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی روش یادگیری مشارکتی در تدریس و تأثیر آن بر ارتقای انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان طراحی شده است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-اسنادی می‌باشد که با روش کتابخانه‌ای و مروری بر اسناد مرتبط صورت گرفته است. پس از تبیین مفاهیم و پیشینه‌ی تحقیق به بررسی یادگیری مشارکتی، روش‌های آن و پیشرفت تحصیلی پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین مزایای یادگیری مشارکتی، افزایش انگیزه و علاقه دانش آموزان به یادگیری و پیشرفت در عملکرد تحصیلی آنان است. وقتی دانش آموزان در گروه‌های کوچک کار می‌کنند، احساس تعلق و مسئولیت بیشتری نسبت به یادگیری خود پیدا می‌کنند و اعتماد به نفس آنان نیز بالا می‌رود. با کار گروهی، دانش آموزان می‌توانند اطلاعات را با همدیگر به اشتراک بگذارند و با تبادل نظرات، سوالات یکدیگر را پاسخ دهند، از یکدیگر بیاموزند و برای رسیدن به یک نتیجه مشترک همکاری کنند. این فرآیند باعث تقویت مهارت‌هایی مانند حل مسئله، تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی می‌شود که برای موفقیت در دروس ضروری هستند.

واژه‌های کلیدی: یادگیری مشارکتی، انگیزه، پیشرفت تحصیلی، همکاری.

۱- مقدمه

آموزش و پرورش یک فرایند سیستماتیک است و به‌طور عمده تمرکز آن بر آموزش و همچنین یادگیری است. روش‌های تدریس در امر یادگیری نقش کلیدی دارد و دادن دستورالعمل به دانش‌آموز مانند یک کشتی خالی که هر نوع اطلاعات را می‌توان به آن انتقال داد کارساز نیست (نواز و همکاران، ۲۰۱۴).

تدریس، مجموعه اقدامات هدف‌داری است که قبل، ضمن و پس از اجرای روند آموزش، مدنظر قرار می‌گیرد و در آن، به کیفیت بیان نیز توجه می‌شود. اگر معلمی از نظر علمی اطلاعات بالایی داشته باشد، ولی قادر به انتقال اطلاعات به شیوه مناسب نباشد، موفق و اثربخش نخواهد بود (بهنام فر، ۱۳۹۲). درواقع، اثربخش ساختن کیفیت تدریس، مستلزم تنظیم اهداف، روش و چالش‌های منطقی برای یادگیری فراگیران است (محمدی خانقاهی و حسی زاده، ۱۳۹۴).

اهمیت و ثمر بخشی روش‌های تدریس و یادگیری بهتر، همواره مورد نظر دانشمندان و محققین علوم تربیتی بوده است. تاریخچه مطالعات نشان می‌دهد روش‌های تدریس چه در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و چه در ایجاد انگیزه و رضایت خاطر، پرورش شخصیت و رشد خلاقیت آنان موثر است. وظیفه معلمان در فرآیند تدریس تنها انتقال واقعیت‌های علمی به دانش‌آموزان نیست؛ بلکه باید موقعیت و شرایط مطلوب یادگیری را فراهم نمایند و چگونه اندیشیدن و چگونه آموختن را به شاگردان بیاموزند (مقرب، ۲۰۱۲).

معلمان کارآمد دارای کلاس‌های مطلوب، سازمان یافته و پربارند. برعکس، معلمان ناموفق برای فراهم آوردن شرایطی که به رفتار هماهنگ و پربار منتهی شود، مشکل دارند. شاید مهمترین تفاوت آنها، توانایی معلم کارآمد است. معلمان کارآمد نسبت به آنچه در کلاس ایشان اتفاق می‌افتد بسیار حساس هستند و قادرند مشکلات را رفع کنند. امروزه در بیشتر مدارس ما، علی‌رغم وجود معلمان کارآمد، روش تدریس نامناسب و تدریس به معنای انتقال معلومات از ذهن معلم به ذهن شاگرد می‌باشد. با این روش کم کم ذهن دانش‌آموزان انباشته از مطالبی می‌شود که نیاز و فکرشان متناسب نیست و این امر باعث می‌شود آن‌ها آنچه را که آموخته‌اند، طوطی‌وار تکرار کنند و به تدریج از یادگیری احساس کسالت نمایند و چنین یادگیری نه تنها در سازندگی آنها نقش موثری را ایجاد نمی‌کند، بلکه زمینه رکود علمی و دزدگی از فعالیت‌های علمی را فراهم می‌کند (حسینی نسب و فلاح، ۱۳۸۷).

متأسفانه در آموزش و پرورش به جای استفاده از روش‌های تدریس فعال که باعث افزایش قدرت تفکر و اندیشیدن در دانش‌آموزان می‌شود، بیش از حد بر انباشت ذهن و تقویت حافظه و نیز بر انتقال اطلاعات و معلومات ذهن یادگیرندگان تأکید می‌شود و امروزه روش تدریس سخنرانی رایج‌ترین شیوه آموزشی است که همه دانش‌آموزان را با وجود تفاوت‌های فردی به صورت یکنواخت مورد تعلیم و تربیت قرار می‌دهد (حسینی راد و همکاران، ۱۴۰۰). در حال حاضر روش‌های قدیمی تدریس، توجه معلم به همه‌ی دانش‌آموزان را دشوار کرده و فاصله بین دانش‌آموزان قوی و ضعیف را بیشتر می‌کند. درحالی‌که از حسن‌های روش یادگیری مشارکتی، کمک به دانش‌آموزان ضعیف و ایجاد انگیزه در آنهاست (خان، ۲۰۱۲).

مدتهاست که در نظام آموزشی ایران معلمان با تکیه بر روش‌های سنتی، به ویژه سخنرانی، شاگردان را به حفظ و تکرار مفاهیم علمی ترغیب می‌کنند و علی‌رغم این که در محافل علمی و تربیتی و حتی اجرایی صحبت از فعال بودن شاگرد، رشد فکری و آزاد اندیشی می‌شود، عملاً چنین نظرهاهایی جنبه عملی نیافته‌اند (حسینی نسب و فلاح، ۱۳۸۷).

دلیل بسیاری از افت‌های تحصیلی دانش‌آموزان، کاربرد نامناسب روش‌های یادگیری می‌باشد. مطالعه‌ی فرهنگ حاکم بر برنامه‌های درسی نظام‌های حاکم بر جهان نشان می‌دهد که فرهنگ غالب بسیاری از مدارس، نسخه‌برداری و سازگاری است؛ یعنی معلمان، دانش‌آموزان را کنترل کرده و نظم را افزایش می‌دهند، دانش‌آموزان نقش یادگیرنده‌ی غیرفعال و غیر پرسشگر را ایفا می‌کنند و الگوهای آموزش مورداستفاده در بسیاری از کلاس‌ها، الگوی غیر منعطف با یادگیری محدود است (ژوزف و بولتین، ۱۳۸۷). دروسی که براساس شیوه سخنرانی تدریس می‌شوند، در کاهش انگیزش و عدم پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر هستند. در نتیجه دانش‌آموزان به یادگیری دروس علاقه چندانی نشان نمی‌دهند و دچار افت تحصیلی می‌شوند. ولی اگر

معلم جهت تدریس از شیوه‌های نوین تدریس استفاده کند، نتایج پژوهش نشان‌دهنده ایجاد انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است (کیانی و فرضعلی، ۱۴۰۲).

در کشور ما نیز با استفاده از نظرات کارشناسان آموزشی از سال ۱۳۷۶ در رابطه با تغییر روش‌های تدریس، اقداماتی آغاز شد. از تغییرات اساسی در این زمینه به کارگیری روش‌های فعال تدریس در فرآیند یاددهی - یادگیری می‌باشد (پاک سرشت، ۱۳۸۳). ازجمله روش‌های فعالی که امروزه توجه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت را متوجه خود کرده است، یادگیری مشارکتی است. روش یادگیری مشارکتی نسبت به روش‌های سنتی تدریس در رشد مهارت خودتنظیمی و افزایش انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان مؤثرتر است.

اگر هدف نظام آموزشی آن است که با تربیت کردن، دانش‌آموزانی توانمند، شهروندان و افرادی مفید تحویل جامعه دهد، باید زمینه مناسب برای رشد و ارتقای بینش علمی، اندیشه‌های آزاد و خلاق، مهارت حل مسئله و برخورد علمی با مسائل فراهم گردد. افزون بر این، برنامه‌های مدارس باید بر روش‌هایی متمرکز گردند که دانش‌آموزان به جای آموختن و به خاطر سپردن، قابلیت‌های چگونه آموختن را از طریق تفکر و برخورد منظم با مسائل و مشکلات یاد بگیرند. زیرا در چنین حالتی است که دانش‌آموزان رشد می‌کنند و فراگیر احساس مفید بودن می‌کند. برای تحقق چنین اهدافی بررسی وضعیت موجود و به کارگیری روش‌های فعال تدریس بسیار مهم است. زیرا با بررسی وضعیت موجود و به کارگیری روش‌های جدید، عوامل اثر گذار مشخص می‌شوند و اصلاحات بهتر و آسان صورت می‌گیرد (نصر آبادی و همکاران، ۱۳۸۲).

از میان الگوهای بسیار گوناگون تدریس می‌توان به یادگیری مشارکتی اشاره کرد. منشأ اولیه شکل‌گیری و توسعه یادگیری مشارکتی تعریف دس ۲ (۱۹۴۹) از مشارکت است. دس یک موقعیت مشارکتی را موقعیتی می‌داند که در آن هر فرد تنها در صورتی می‌تواند به هدف خود برسد که همه افراد به اهدافشان برسند. دس اعتقاد داشت که تعاملات مشارکتی باعث می‌شود مشارکت کنندگان تجربه روشنی از علائق مشترک، کوشش‌های مشترک، توزیع یکسان قدرت، اعتماد و صداقت داشته باشند. این الگو از نظر ساختاری، زیرمجموعه خانواده الگوهای اجتماعی و برای آموزش همکاری است. ساز و کار این الگو به سبب وجود عوامل بارز و مؤثری چون روابط مثبت میان اعضا، همکاری در گروه‌های یادگیری، مسئولیت‌پذیری فردی و پیامدهای رضایت‌بخش گروهی، موجب دستاوردهای مثبت و شاخص در آموزش و پرورش دانش‌آموزان شده است. یادگیری مشارکتی با ایجاد شرایط مناسب برای آموختن استراتژی‌های یادگیری، به انتقال یادگیری از طریق گروه به فرد، واکنش متقابل میان فراگیران با سطوح توانایی علمی ناهمگن در کلاس کمک می‌کند. این الگو برای موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان الگویی مناسب و شناخته شده است (کرامتی، ۱۳۸۲). یادگیری مشارکتی منجر به بهبود توانایی در نظر گرفتن دیدگاه دیگران می‌شود و روابط بین گروه‌های مختلف قومی را در مدرسه و کلاس درس افزایش می‌بخشد، عزت نفس را افزایش می‌دهد و موجب پذیرش و محترم شمردن دانش‌آموزان ضعیف و ناتوان می‌شود (حسینی نسب و فلاح، ۱۳۸۷).

در طول چند سال گذشته روش تدریس همیاری در آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفته است و معلمان مقاطع مختلف به طور پیوسته روش تدریس همیاری را تجربه می‌کنند. آنان با این روش در تلاش هستند تا بررسی کنند، آیا دانش‌آموزان بیشتر و بهتر یاد می‌گیرند؟ یا فقط یادگیری برای آن‌ها در روش تدریس همیاری لذت بخش است؟ زیرا اعمال این عقیده که دو فکر بهتر از یک فکر است، ثابت می‌شود (سیرتی لیاولی و همکاران، ۱۳۹۱).

۲- ادبیات تحقیق

در ابتدا لازم است به تعاریفی از مفهوم یادگیری مشارکتی و مؤلفه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بپردازیم.

۲-۱- یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی یکی از روش‌های آموزشی نوین است که در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده است. یادگیری مشارکتی یا آموزش از طریق همیاری، رویکردی جدید در آموزش دنیاست که هدف‌های عمده آن عبارتند از: درگیر کردن دانش‌آموزان در فرایند یادگیری، از بین بردن حالت تک بعدی و معلم محور کلاس‌ها و ایجاد علاقه و انگیزه به یادگیری فعال در دانش‌آموختگان. با توجه به تغییرات و پیشرفت‌های مکرر و سریعی که در علوم روی می‌دهد، دانش‌آموزان ما نیازمند روش‌هایی هستند که از طریق آن‌ها به مهارت‌های یادگیری دست یابند تا خود بتوانند علوم را بهتر و سریع‌تر و همگام با پیشرفت‌ها بیاموزند. در این بین روش یادگیری مشارکتی یا آموزش از طریق همیاری می‌تواند دانش‌آموزان را در این امر یاری دهد.

یادگیری مشارکتی الگویی از آموزش است که دانش‌آموزان به منظور دستیابی به هدفی مشخص و برای اجرای کامل یک وظیفه محوله با یکدیگر، در آن همکاری می‌کنند (آقایاری، ۱۳۸۳)؛ به عبارت دیگر یادگیری مشارکتی روشی از تعلیم و تربیت است، که دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی در گروه‌های کوچک برای یک هدف آموزشی واحد با هم فعالیت می‌کنند و یادگیرندگان به یک اندازه در برابر یادگیری دیگران نیز مسئول هستند؛ بنابراین، موفقیت هر کدام از دانش‌آموزان در یادگیری و موفقیت سایرین نیز تأثیرگذار است (اسماعیلی و موسوی، ۱۳۹۴). در این شیوه تدریس اعضای گروه به هم اطمینان می‌دهند که هیچکس بر دیگری برتری ندارد و اجباری در انجام کار بیشتر نیست. از طرف دیگر، یادگیری مشارکتی فرد محور است و هدف اصلی آن شرکت فعال و معنادار فرد در فرایند تمرین و یادگیری است (وندن و همکاران، ۱۹۹۸). این روش به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که در گروه‌های کوچک و با همکاری یکدیگر به یادگیری بپردازند. یادگیری مشارکتی نه تنها به افزایش سطح یادگیری کمک می‌کند، بلکه می‌تواند تأثیر عمیقی بر ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان داشته باشد. این آموزش برای آن تدوین شده است تا شاگردان به‌طور مستقیم به جریان تفکر علمی کشانده شوند و این امر به‌وسیله فشرده ساختن جریان علمی در زمانی بسیار کوتاه صورت می‌پذیرد. همچنین در یادگیری مشارکتی، افراد دیدگاه‌های خود را در مورد موضوع خاص مطرح کرده و با تکیه بر استدلال‌های علمی، دیدگاه سایرین را نقد و بررسی می‌کنند (شادکام و همکاران، ۱۳۹۷).

در این محیط فعال و پویا دانش‌آموزان از طریق همکاری و مشارکت و در قالب گروه‌ها به یادگیری می‌رسند و در قبال یادگیری احساس مسئولیت می‌کنند. زمانی که همکلاسه‌شان نیاز به کمک داشته باشند به کمک آنها می‌شتابند و موفقیت دیگران، موفقیت آن‌ها و شکست دیگران شکست آن‌ها محسوب می‌شود. شعار کلاس همیاری این است: یا همه نجات می‌یابیم یا همه غرق می‌شویم. در کلاس همیاری دانش‌آموزان به جای اینکه معلم را مرجع اصلی بدانند به همکلاسی‌های خود به عنوان مرجع مهم و با ارزش دانش نگاه می‌کنند (قلتاش، ۱۳۸۳).

در روش تدریس مشارکتی، توانایی گوش فرا دادن به حرف همکلاسی‌ها و معلم، رعایت نوبت، بیان نظر و عقیده، واضح بیان کردن افکار خود، ترغیب دیگران و انتقاد از نظرات افراد -نه از شخصیت‌شان- تقریباً در تمام فعالیت‌های کلاسی و ورزشی با اهمیت است. یادگیری از طریق روش تدریس مشارکتی برای رشد ادراک کودکان مؤثر است و مفهوم شناختی دلیلی است که برای اثبات این مطلب ذکر کرده‌اند، که روانشناسان آن را ممارست شفاهی یا بلند فکر کردن می‌نامند (حسینی راد و همکاران، ۱۴۰۰). تأثیر یادگیری مشارکتی بر انگیزش پیشرفت را همچنین می‌توان با نظریه روانشناختی اجتماعی - شناختی توجیه کرد. از این دیدگاه، ویژگی‌های اجتماعی بر یادگیری تأثیر می‌گذارند. (بوکائرتز ۳ و همکاران، ۲۰۰۶). بدین ترتیب، در یادگیری مشارکتی این کنش اعضای گروه است که با تشویق یکدیگر، انگیزش تحصیلی را در افراد، افزایش می‌دهد (صیادپور و صیادپور، ۱۳۹۶).

گاگان^۴ (۲۰۰۱) معتقد است که یادگیری مشارکتی یکی از راهبردهای موفق تدریس در گروه‌های کوچک برای دانش آموزان با توانایی‌های متفاوت می‌باشد که در آن فعالیت‌های متنوع یادگیری برای بهبود درک و فهم دانش آموزان از موضوع استفاده می‌شود. در این شیوه یادگیری، هر یک از اعضای گروه نه تنها در مقابل یادگیری خود، بلکه در قبال کمک به یادگیری هم تیمی‌هایش نیز مسئول است. بنابراین نوعی جو و فضای پیشرفت ایجاد می‌شود و تا موقعی که همه اعضای گروه به طور موفقیت آمیزی به درک و فهم موضوعات ارائه شده در گروه نایل نشده‌اند، همچنان به گروه در فعالیت خود ادامه می‌دهند. یادگیری مشارکتی یکی از ابزارهای مؤثر در آموزش است که می‌تواند تأثیرات مثبتی بر ایجاد انگیزه در دانش آموزان داشته باشد. با فراهم کردن فضایی حمایتی، تقویت مهارت‌های اجتماعی، افزایش مسئولیت‌پذیری و تشویق به تبادل ایده‌ها، این روش آموزشی می‌تواند به رشد فردی و تحصیلی دانش آموزان کمک کند؛ بنابراین، معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی باید به اهمیت یادگیری مشارکتی توجه کرده و آن را در فرآیند تدریس خود گنجانده تا بتوانند انگیزه و علاقه دانش آموزان را به یادگیری افزایش دهند.

۲-۲- روش‌های یادگیری مشارکتی

قهرمانی^۱ (۱۳۸۷) در یک جمع بندی از تحقیقات انجام شده در زمینه یادگیری مشارکتی چند شیوه یادگیری مشارکتی را معرفی می‌نماید که در تازه ترین تحقیقات به کار گرفته شده‌اند و اثربخشی خود را در دستاوردها نشان داده و مورد تایید قرار گرفته‌اند. این شیوه‌ها عبارتند از:

۱. گروه‌های پیشرفت تیمی دانش آموزان:

در این شیوه دانش آموزان به گروه‌هایی که از ۴ تا ۵ نفر تشکیل می‌شود تقسیم می‌شوند. در این گروه‌ها دانش آموزان از لحاظ جنسیت، نژاد، زمینه‌های خانوادگی و فرهنگی، تجربیات قبلی و... متفاوت می‌باشند. روش فوق برای تدریس دروسی که زمینه‌های علمی محض دارند مانند ریاضیات، محاسبات و کاربردهای ریاضی، دستور زبان و کاربردهای آن، جغرافیا و... بسیار مناسب است.

۲. روش مسابقه‌ی تیمی یا رقابت و مسابقه‌ی تیمی:

در این شیوه روش تدریس معلم و کار گروهی کاملاً شبیه روش قبلی است. ولی تفاوت آنها در این است که دانش آموزان به جای شرکت در آزمون در مسابقات هفتگی شرکت می‌کنند، نمره‌هایی که هر برنده برای تیم خود کسب می‌کند بدون توجه به سطحی که در آن به رقابت پرداخته است، محاسبه می‌شود. این بدان معناست که برای دانش آموزان ضعیفی که با هم‌طرازان خود به رقابت می‌پردازند و دانش آموزان ممتازی که با تیم‌هایی که نمره‌های بالا را کسب کرده‌اند شانس یکسانی برای کسب موفقیت داده می‌شود.

۳. یادگیری انفرادی با یاری گرفتن از تیم:

در این روش نیز تیم‌های چهار نفره دانش آموزان که در سطوح کارایی متفاوت هستند، تشکیل می‌شود و به تیم‌هایی که عملکرد مطلوب داشته باشند گواهینامه اعطا می‌شود.

۴. قرائت و نگارش تلفیقی مشارکتی:

این روش که در حقیقت برنامه‌ای جامع برای آموزش قرائت و نگارش در سال‌های آخر دوره ابتدایی است، جدیدترین شیوه یادگیری مشارکتی به شمار می‌رود. در این روش معلمان به شیوه‌ی برنامه‌های سنتی از تشکیل گروه‌های قرائت استفاده می‌کنند و دانش آموزان را به تیم‌های مختلف که از دو جفت دانش آموز تشکیل شده است تقسیم می‌کنند. هنگامی که معلم به آموزش یکی از تیم‌ها اشتغال دارد، تیم‌های دیگر به یک سلسله فعالیت‌های شناختی نظیر قرائت در حضور همدیگر، بحث در مورد چگونگی نگارش یک داستان، خلاصه کردن داستان، املاء کلمه‌ها و لغت معنی مشغول می‌شوند. در صورتی که تقسیم

کلاس به گروه‌های قرائت همگن ممکن نباشد، همه دانش آموزان کلاس به منزله یک تیم واحد در جریان یادگیری با یکدیگر مشارکت می‌کنند. (قهرمانی، ۱۳۸۷).

۲-۳- پیشرفت تحصیلی

بدون شک در دنیای پیشرفته امروزی یکی از علایم موفقیت فرد، پیشرفت تحصیلی می‌باشد که بدون آن توسعه و ترقی هیچ کشوری امکان پذیر نخواهد بود. پیشرفت تحصیلی ضمن اینکه در توسعه و آبادانی کشور مؤثر است در سطوح عالی منجر به یافتن شغل و موقعیت مناسب و در نتیجه درآمد کافی می‌شود (شادکام و همکاران، ۱۳۹۷). پیشرفت تحصیلی عبارت است از موفقیت دانش آموزان در یک یا چند موضوع درسی (مثل: درک، فهم خواندن یا محاسبه عددی)، چنین پیشرفت‌هایی توسط آزمون‌های میزان شده تحصیلی اندازه گیری می‌شود. همچنین این اصطلاح بر پیشرفت فرد در کلاس، آنطور که در کار مدرسه ارزیابی می‌شود، دلالت دارد (ماهر، ۱۳۷۶). پیشرفت تحصیلی یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی دانش‌آموزان است که نه تنها به معنای کسب نمرات بالا و موفقیت در امتحانات است، بلکه شامل رشد مهارت‌های اجتماعی، توانایی‌های تفکر انتقادی، و پرورش شخصیت فردی نیز می‌باشد.

پیشرفت تحصیلی به جلوه‌ای (نمایی) از جایگاه تحصیلی دانش آموزان اشاره دارد که این جلوه ممکن است بیانگر نمره‌ای برای یک دوره، میانگین نمرات در دوره‌ای مربوط به یک موضوع یا میانگین نمرات دوره‌های مختلف باشد. برای پیشرفت تحصیلی می‌توان ملاک‌های گوناگون را در نظر گرفت که مشهورترین آنها میانگین نمرات کلاسی می‌باشد (پالسون، ۱۹۹۴)؛ که در این مورد یکی از ابزارهای مؤثر برای ارتقای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، یادگیری مشارکتی است. این روش نه تنها به افزایش انگیزه و علاقه دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه مهارت‌های اجتماعی و تفکر انتقادی آنها را نیز تقویت می‌کند.

۲-۴- عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی

۱. محیط آموزشی: یکی از عوامل کلیدی در پیشرفت تحصیلی، محیط آموزشی است. مدارس باید فضایی فراهم کنند که در آن دانش‌آموزان احساس راحتی و امنیت کنند. معلمان نقش مهمی در ایجاد این فضا دارند و باید با استفاده از روش‌های تدریس متنوع و جذاب، انگیزه یادگیری را در دانش‌آموزان تقویت کنند.

۲. خانواده: خانواده‌ها نیز نقش بسزایی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارند. حمایت عاطفی و تشویق والدین می‌تواند انگیزه دانش‌آموزان را افزایش دهد. همچنین، والدین باید به تحصیلات فرزندان خود اهمیت دهند و در فعالیت‌های آموزشی آنها مشارکت کنند.

۳. عوامل فردی: هر دانش‌آموز ویژگی‌ها و توانایی‌های خاص خود را دارد. انگیزه، علاقه به یادگیری، و ویژگی‌های شخصیتی مانند اعتماد به نفس و پشتکار می‌توانند تأثیر زیادی بر پیشرفت تحصیلی داشته باشند. دانش‌آموزانی که هدف‌گذاری مشخصی دارند و برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند، معمولاً موفق‌تر هستند.

استفاده از روش‌های تدریس متنوع می‌تواند به افزایش جذابیت یادگیری کمک کند. معلمان می‌توانند از تکنولوژی، بازی‌های آموزشی، کار گروهی و پروژه‌های عملی برای جلب توجه دانش‌آموزان استفاده کنند. علاوه بر آموزش دروس علمی، باید به آموزش مهارت‌های زندگی نیز توجه شود. مهارت‌هایی مانند مدیریت زمان، تفکر انتقادی، و حل مسئله می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا در تحصیلات و زندگی روزمره موفق‌تر باشند.

همچنین ارزیابی مستمر عملکرد دانش‌آموزان می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف آنها کمک کند. با ارائه بازخوردهای سازنده، معلمان می‌توانند دانش‌آموزان را در مسیر پیشرفت هدایت کنند. پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان موضوعی چندبعدی است که نیازمند همکاری همه‌جانبه خانواده، معلمان، و خود دانش‌آموزان است. با ایجاد محیط‌های آموزشی مناسب، حمایت عاطفی خانواده‌ها، و آموزش مهارت‌های لازم، می‌توان به ارتقاء سطح تحصیلات و موفقیت آینده نسل جوان کمک کرد. این تلاش‌ها نه تنها به نفع خود دانش‌آموزان خواهد بود بلکه به توسعه جامعه نیز کمک خواهد کرد.

۳- پیشینه تحقیق

ناتیو^۵ (۱۹۹۴) در یک مطالعه‌ای به بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی در مقایسه با آموزش سنتی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان پرداخت. نتایج بیانگر تأثیر مثبت و معنی دار یادگیری مشارکتی در مقایسه با آموزش سنتی بود. در مطالعه دیگری لونینگ^۶ (۱۹۹۳) دریافت یادگیری مشارکتی تأثیر مثبت و معنی داری را در مقایسه با آموزش سنتی بر عملکرد تحصیلی آزمودنی‌ها دارد.

اسلاوین^۷ معتقد است که روش مشارکتی به طور کامل در افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مؤثر است. وی با بررسی ۳۶ پژوهش، به مقایسه دانش آموزانی که با روش مشارکتی آموزش دیده بودند و دانش آموزانی که روش مشارکتی را تجربه نکرده بودند، پرداخت. گزارشات او نشان می‌دهد دانش آموزانی که با روش مشارکتی آموزش دیده‌اند، نسبت به گروه کنترل پیشرفت بهتری داشته‌اند. (اسلاوین، ۱۹۸۴)

نتایج دیگر اجرای روش یادگیری مشارکتی توسط جانسون و جانسون^۸ (۱۹۹۷) و قدرتی (۱۳۸۰) عبارت‌اند از: توجه و دقت بیشتر، افزایش میزان یادسپاری، درک و فهم، تجزیه و تحلیل و قضاوت در اطلاعات علمی (غلامعلی لواسانی، ۱۳۹۰). جانسون (۱۹۸۹) بیش از ۶۰۰ مطالعه در طول ۹۰ سال گذشته، اثربخشی شیوه‌های آموزش مشارکتی، رقابتی و انفرادی را مقایسه کرده است. این پژوهش‌ها توسط محققان مختلف، در زمان‌های مختلف و در حوزه‌های درسی و محیط‌های متفاوت انجام شده است. در بیشتر این پژوهش‌ها اثربخشی یادگیری مشارکتی بیشتر از روش‌های سخنرانی، استفاده از وسایل کمک آموزشی، روش انفرادی و دیگر شکل‌های آموزش است. در روش یادگیری مشارکتی گروه‌ها بیشتر باهم کار می‌کنند، بیشتر یاد می‌گیرند، آنچه را که یاد می‌گیرند بهتر می‌فهمند و آسان‌تر به یاد می‌سپارند و احساس بهتری نسبت به خود، کلاس و همکلاسی‌هایشان دارند. هدف نهایی از کاربرست الگوی تدریس یادگیری مشارکتی، دستیابی به فعالیت‌های عالی ذهنی است (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۴).

استونس و اسلاوین (۱۹۹۵) در مطالعه‌ای تأثیر دراز مدت روش‌های یادگیری مشارکتی بر میزان عملکرد تحصیلی و آگاهی‌های فراشناختی دانش آموزان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج بیانگر تأثیر مثبت و معنی دار یادگیری مشارکتی در مقایسه با آموزش سنتی بر متغیرهای وابسته بود.

در ایران نیز پژوهش‌هایی در این زمینه انجام گرفته است. به طور مثال صیرفی (۱۳۷۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که یادگیری مشارکتی در مقایسه با آموزش سنتی بر عملکرد تحصیلی دانش‌جویان تأثیر مثبت تری دارد. ممبینی (۱۳۷۷) طی پژوهش خود به این نتیجه رسید که یادگیری مشارکتی در مقایسه با آموزش سنتی تأثیر بیشتری بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارد.

مرتضوی و همکاران (۱۳۸۴) اثربخشی روش‌های تدریس و یادگیری تعاملی در فرآیندهای آموزشی را مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته‌اند که کاربرد روش‌های تدریس و یادگیری تعاملی در فرآیند تدریس و یادگیری سبب شور و نشاط جدید در کلاس، افزایش باور و توقع دانشجو، مشارکت دانشجو در اداره کلاس، مراجعه بیشتر به سایر متون، افزایش ماندگاری و کاهش غیبت از کلاس درس می‌شود.

همچنین قدرتی (۱۳۸۰) طی تحقیقی درباره‌ی دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهر قم به مقایسه تأثیر یادگیری مشارکتی با یادگیری انفرادی بر میزان یادسپاری، درک و فهم، تجزیه و تحلیل و قضاوت اطلاعات علمی در درس علوم

5 Nattie

6 Lonning

7 Slavin

8 Johnson, & Johnson

پرداخت. نتایج بیانگر تأثیر مثبت معنی دار یادگیری مشارکتی بر قدرت تجزیه و تحلیل اطلاعات علمی دانش آموزان بود؛ اما در مورد قضاوت علمی بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود نداشت. نتایج تحقیق نیسی، تجاریان و شیخیانی (۱۳۸۳) نشان داد که عملکرد تحصیلی، انگیزه‌ی پیشرفت و خودپنداره گروه آزمایش که با شیوه یادگیری مشارکتی آموزش دیده بودند نسبت به گروه گواه که با شیوه سنتی آموزش دیده بودند، بیشتر است و تفاوت بین آنها از لحاظ آماری معنی دار است؛ به عبارت دیگر آموزش به شیوه یادگیری مشارکتی نسبت به آموزش سنتی باعث افزایش عملکرد تحصیلی، خودپنداره و انگیزه‌ی پیشرفت دانش‌آموزان گردیده است. پاکیزه (۱۳۷۶) در یک مطالعه دریافت که یادگیری مشارکتی در مقایسه با آموزش سنتی منجر به یادداری مطالب بیشتری می‌شود.

در پژوهشی که توسط کرامتی (۱۳۸۲) در خصوص مطالعه تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی ریاضی و دانش آموزان پنجم ابتدایی صورت گرفته، نشان داده است که روش یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی ریاضی دختران و پسران قابل توجه بوده است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که نمره رشد مهارت‌های اجتماعی دختران و پسران بیش از دختران افزایش یافته است. نتایج حاصل از اعتباریابی الگو نیز نشان می‌دهد که اغلب دانش‌آموزان، معلمان و راهنمایان آموزشی از الگوی پیشنهادی تحقیق رضایت داشته‌اند.

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از منابع مختلف و نیز بانک‌های اطلاعاتی انجام شده است. در این پژوهش، با مطالعه تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در این حوزه و تفحص در منابع و مقالات معتبر و تجزیه و تحلیل آن‌ها، با روش تحلیلی به تحلیل و بررسی زوایا و جنبه‌های مختلف روش تدریس مشارکتی در تدریس و اهمیت آن از حیث تأثیر بر ارتقای انگیزه و عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته‌ایم.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

زندگی انسان بدون همکاری و همیاری بسیار بی‌معنی است. انسان از تنهایی می‌گریزد و خود را در جمع می‌یابد. روش‌های تدریسی که اکنون استفاده می‌شود کارایی لازم را نداشته و دیگر نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای کلاس درس و دانش‌آموزان باشد؛ بنابراین بهتر است روش‌های تدریس به اقتضای وضعیت موجود تغییر کند تا یادگیری بهتر و تثبیت مطالب را از طریق روش‌های فعال و مؤثر تدریس باعث شود. در شیوه‌های سنتی تدریس مانند سخنرانی، معلمان با تأکید بیش از حدشان بر حفظ و تکرار طوطی‌وار، عدم تأکید بر سطوح بالای شناختی، فقدان تعاملات بین دانش‌آموزان و محتوای درسی باعث پایداری کم مطالب آموخته شده در ذهن دانش‌آموزان می‌شوند؛ اما بر خلاف این گروه، محتوای یادگیری دانش‌آموخته‌های گروه مشارکتی به دلیل تغییر وضعیت یادگیری و تعامل با دانش‌آموزان کلاس از ثبات بیشتری برخوردار است. مشارکت، به دانش‌آموزان راه و رسم دوستی کردن و کار با افراد گوناگون را می‌آموزد. مشارکت، یادگیری را بسیار خوشایندتر می‌کند. یادگیری مشارکتی یک روش تدریس موفق در گروه‌های کوچک است. در این روش، در هر یک از گروه‌ها، دانش‌آموزان با توانایی‌های متفاوت و با استفاده از فعالیت‌های یادگیری گوناگون درک خود را نسبت به موضوع درسی بالا می‌برند. به اعتقاد کارشناسان تعلیم و تربیت دانش‌آموزانی که از طریق یادگیری فعال به یادگیری می‌پردازند، نه تنها بهتر فرا می‌گیرند، بلکه از یادگیری لذت بیشتری هم می‌برند، زیرا آن‌ها به جای اینکه فقط شنونده باشند، فعالانه در جریان یادگیری مشارکت می‌کنند و خود را مسئول یادگیری خویش می‌دانند (یزدیان‌پور و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین راهنمایی معلم در گروه‌های مشارکتی نقش عمده‌ای دارد. به ویژه راهنمایی‌های معلم برای دانش‌آموزانی که موفقیت تحصیلی پایینی دارند، فوق العاده سودمند است. یادگیری مشارکتی به صورتی که با راهنمایی مؤثر معلم توأم باشد، می‌تواند انگیزش و احساس مسئولیت شاگردان را تقویت نموده و در آنها نگرشی مثبت نسبت به مدرسه به وجود آورد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴).

بنابر آنچه در این پژوهش بیان شد، شیوه‌ی مشارکتی ارتباط مطلوبی را در دانش‌آموزان به وجود می‌آورد، آنها را برای یادگیری بهتر برمی‌انگیزد و عزت‌نفس آنان را ارتقاء می‌دهد. گرچه شیوه‌های یادگیری مشارکتی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند اما در سه اصل مشترک‌اند: آموزش فعالیت مشترک، آموزش فعالیت‌ها به صورت گروهی و تقویت عملکرد کلی گروه. در گذشته به این روش، روش فعال گفته می‌شد و منظور از روش فعال، روشی بود که در آن معلم و دانش‌آموز به صورت فعال به بیان اندیشه و نقد مسائل در کلاس درس بپردازند؛ اما اکنون این روش یکی از روش‌های تدریس تعاملی است و تدریس تعاملی تدریسی است که فراتر از کمک به دانش‌آموزان به کسب محتوای علمی و مهارت‌ها می‌اندیشد. در این روش علاوه بر توجه به کسب اطلاعات و مهارت‌ها به فرایند تفکر و اهداف اجتماعی آموزش تأکید فراوان شده است؛ بنابراین توصیه می‌شود از طریق آموزش ضمن خدمت، معلمان را بیشتر با روش یادگیری مشارکتی آشنا نموده و دانش و آگاهی آنان را در این زمینه افزایش دهند. آگاهی‌های لازم از چرایی و مفید بودن یادگیری مشارکتی بر دانش‌آموزان و تشویق و سوق دادن آنان بر بهره‌گیری از این روش ارائه شود. ارائه بسته‌ی پیشنهادی در این روش از سوی دانش‌آموزان می‌تواند منجر به افزایش فعالیت همه‌ی اعضای گروه شده و علاقه‌ی آن‌ها به شرکت در بحث را افزایش دهد. همچنین دانش‌آموزان از طریق در اختیار گذاشتن بسته‌های پیشنهادی در پایان فعالیت، پیشنهادهای خود را برای دیگر گروه‌ها نیز بیان کرده و با آنها سهیم می‌شوند (حاجی حسینلو و همکاران، ۱۳۹۶).

در رویکرد سنتی دانش‌آموزان به دلیل یکطرفه بودن آموزش از طرف معلم، میزان انگیزش پایینی برای فعال بودن در کلاس درس و مشارکت با همکلاسی‌های خود دارند اما هنگامی که دانش‌آموزان از طریق یادگیری مشارکتی، آموزش می‌بینند، خودتنظیمی در آنها رشد می‌کند و از نظر مهارت‌های شناختی، فراشناختی و انگیزشی پیشرفت می‌کنند. یادگیری مشارکتی پذیرش اجتماعی افراد را بهبود بخشیده و در حین اجرا احساس عدم قابلیت را اصلاح و به فرد اعتمادبه‌نفس می‌دهد. از طریق یادگیری مشارکتی و دورهم جمع شدن دانش‌آموزان برای یادگیری بهتر، محیط کلاس به مکانی بدل می‌شود که دانش‌آموز داوطلبانه و بر اثر افزایش انگیزش تحصیلی خود به یادگیری می‌پردازد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۴). از این طریق یادگیری مشارکتی باعث بروز خلاقیت در دانش‌آموزان شده و قدرت تفکر منطقی و درست اندیشیدن، تعامل و همکاری در جریان آموختن و در نهایت آموزش به دیگر دانش‌آموزان را تقویت می‌کند. شواهد تحقیقاتی نشان می‌دهد که بیشتر مسائلی که در روش سنتی و غیر فعال به چشم می‌خورد در رویکرد مشارکتی به حداقل می‌رسند (رحمانی، ۱۳۹۶).

تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که استفاده از روش یادگیری مشارکتی می‌تواند به بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان منجر شود. در کلاس درس، دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های گروهی شرکت کرده‌اند، معمولاً نمرات بالاتری در امتحانات و ارزیابی‌های عملکردی نشان داده‌اند. همچنین، این دانش‌آموزان معمولاً توانایی بیشتری در تحلیل مسائل و ارائه راه‌حل‌های خلاقانه دارند. به طور کلی در یادگیری مشارکتی هنگامی که دانش‌آموزان با یکدیگر روی تکالیف کار می‌کنند، بین آنان دوستی برقرار می‌گردد و انگیزه بیشتری برای یادگیری به وجود می‌آید. این شیوه یادگیری می‌تواند، موجب سرزندگی تحصیلی شود؛ بنابراین، با افزایش موفقیت در یادگیری، انگیزش پیشرفت نیز افزایش می‌یابد؛ زیرا مشارکت بیشتر دانش‌آموزان در کلاس باعث سرزندگی بیشتر آن‌ها می‌شود (محمد زاده ادملایی و همکاران، ۱۴۰۰).

از جمله مزایای یادگیری مشارکتی در کلاس درس عبارت‌اند از:

۱.۱. ایجاد حس تعلق و ارتباط

یکی از عوامل کلیدی در ایجاد انگیزه، حس تعلق به گروه و ارتباط با دیگران است. یادگیری مشارکتی به دانش‌آموزان این فرصت را می‌دهد که با یکدیگر تعامل کنند و احساس کنند که بخشی از یک گروه هستند. این حس تعلق می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس و انگیزه در یادگیری کمک کند. درواقع احساس تعلق باعث می‌شود که آنها با اشتیاق بیشتری در فعالیت‌ها شرکت کنند و تمایل بیشتری به یادگیری مفاهیم جدید داشته باشند. این انگیزه می‌تواند نقش بسزایی در درک بهتر مفاهیم داشته باشد.

۲. تقویت مهارت‌های اجتماعی

یادگیری مشارکتی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی خود را تقویت کنند. این مهارت‌ها شامل ارتباط مؤثر، همکاری، حل تعارض و مدیریت زمان می‌باشد. با تقویت این مهارت‌ها، دانش‌آموزان احساس موفقیت بیشتری خواهند کرد و این احساس موفقیت به نوبه خود انگیزه آن‌ها را برای یادگیری بیشتر افزایش می‌دهد.

۳. افزایش مسئولیت‌پذیری

در یادگیری مشارکتی، هر عضو گروه وظایف خاصی دارد و باید در قبال موفقیت گروه مسئولیت‌پذیر باشد. این امر باعث می‌شود که دانش‌آموزان احساس کنند که نقش مهمی در فرآیند یادگیری دارند. این مسئولیت‌پذیری می‌تواند به افزایش انگیزه آن‌ها برای یادگیری و تلاش بیشتر منجر شود. وقتی دانش‌آموزان بفهمند که تلاش آن‌ها بر نتیجه کلی گروه تأثیر دارد، تمایل بیشتری برای مشارکت و یادگیری خواهند داشت.

۴. تبادل ایده‌ها و تجربیات

یادگیری مشارکتی فرصتی برای تبادل ایده‌ها و تجربیات میان دانش‌آموزان فراهم می‌کند. هر دانش‌آموز با دیدگاه‌ها و تجربیات منحصر به فرد خود وارد گروه می‌شود و این تنوع می‌تواند به غنی‌تر شدن فرآیند یادگیری کمک کند. یادگیری مشارکتی این امکان را فراهم می‌کند که دانش‌آموزان بتوانند از تجربیات و دیدگاه‌های یکدیگر بهره‌مند شوند. وقتی دانش‌آموزان ایده‌های یکدیگر را می‌شنوند و از تجربیات هم استفاده می‌کنند، احساس می‌کنند که یادگیری یک فرآیند فعال و پویا است که به آن‌ها انگیزه بیشتری می‌دهد. همچنین، تعامل با همسالان می‌تواند به کاهش اضطراب و افزایش اعتماد به نفس کمک کند. وقتی دانش‌آموزان احساس کنند که نظرات و ایده‌هایشان مورد توجه قرار می‌گیرد، تمایل بیشتری برای مشارکت و یادگیری خواهند داشت.

۵. ایجاد فضای مثبت یادگیری

یادگیری مشارکتی معمولاً فضایی مثبت و حمایتی ایجاد می‌کند که در آن دانش‌آموزان می‌توانند بدون ترس از قضاوت یا انتقاد، نظرات خود را بیان کنند. این فضا به آن‌ها اجازه می‌دهد تا اشتباهات خود را بپذیرند و از آن‌ها بیاموزند. احساس امنیت در محیط یادگیری می‌تواند به افزایش انگیزه آن‌ها برای ریسک کردن و امتحان کردن روش‌های جدید یادگیری منجر شود.

۶. تشویق به تفکر انتقادی

در یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان تشویق می‌شوند تا به بحث و تبادل نظر بپردازند و نظرات یکدیگر را نقد کنند. این فرآیند تفکر انتقادی را تقویت می‌کند و باعث می‌شود که دانش‌آموزان عمیق‌تر به موضوعات فکر کنند. وقتی آن‌ها درگیر فرآیند تفکر انتقادی شوند، احساس تسلط بیشتری بر مطالب خواهند کرد و این تسلط می‌تواند انگیزه آن‌ها را برای ادامه یادگیری افزایش دهد.

بنابراین یکی از مهم‌ترین مزایای یادگیری مشارکتی، افزایش انگیزه و علاقه دانش‌آموزان به یادگیری است. وقتی دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک کار می‌کنند، احساس تعلق و مسئولیت بیشتری نسبت به یادگیری خود پیدا می‌کنند. با کار گروهی، دانش‌آموزان می‌توانند اطلاعات را با همدیگر به اشتراک بگذارند و با تبادل نظرات، سوالات یکدیگر را پاسخ دهند و از یکدیگر بیاموزند و برای رسیدن به یک نتیجه مشترک همکاری کنند. این فرآیند باعث تقویت مهارت‌هایی مانند حل مسئله، تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی می‌شود که برای موفقیت در دروس ضروری هستند.

با وجود مزایای بسیار یادگیری مشارکتی، چالش‌هایی نیز وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. یکی از این چالش‌ها، مدیریت گروه‌ها است. معلمان باید بتوانند گروه‌ها را به طور مؤثر مدیریت کنند تا هر دانش‌آموز بتواند سهم خود را در فرآیند یادگیری ایفا کند. همچنین، نیاز است که معلمان آموزش‌های لازم را برای تسهیل فعالیت‌های گروهی ارائه دهند تا همه دانش‌آموزان بتوانند از این روش بهره‌مند شوند.

با توجه به اهمیت یادگیری مشارکتی، پیشنهاد می‌شود که معلمان بیشتر از این شیوه در کلاس‌های خود بهره ببرند تا بتوانند محیطی پویا و موثر برای یادگیری ایجاد کنند. بدین ترتیب، دانش‌آموزان نه تنها مفاهیم مدنظر را بهتر درک خواهند کرد، بلکه مهارت‌های لازم برای مواجهه با چالش‌های آینده را نیز کسب خواهند کرد.

منابع

۱. اسماعیلی، ا. و موسوی، ف. (۱۳۹۴). مقایسه روش تدریس مشارکتی از طریق محیط یادگیری الکترونیکی با شیوه سخنرانی و تأثیر آنها بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی. مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۱۳-۳۲.
۲. آقایاری، ط. (۱۳۸۳). تحول ناشی از تدریس مشارکتی از نوع جیگ ساو در وضعیت سنتی تدریس دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم. فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، ۳۵-۵۳.
۳. بهنام فر، ر. (۱۳۹۲). فن بیان در تدریس، عنصر فراموش شده. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۲۶۳-۲۶۹.
۴. پاک سرشت، م. (۱۳۸۳). کاوشی درباره روش تدریس در دانشگاه. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۵۵-۱۷۴.
۵. پاکیزه، ع. (۱۳۷۶). تأثیر یادگیری مشارکتی بر عملکرد تحصیلی و خود پنداره دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز.
۶. حاجی حسینلو، خ، خالق خواه، ع، زاهد بابلان، ع، و معینی کیا، م. (۱۳۹۶). تأثیر یادگیری مشارکتی با گروه‌های پیشرفت بر خودکارآمدی و خودپنداره‌ی ریاضی دانش‌آموزان. فصلنامه تربیتی روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۱۷-۱۳۷.
۷. حسینی راد، م، دانشپور، م، غضنفری، م، و حمیدی، ع. (۱۴۰۰). مقایسه تأثیر روش تدریس سخنرانی و مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سوم ابتدایی در درس علوم تجربی. پژوهش در آموزش زیست شناسی، ۲۱-۳۹.
۸. حسینی نسب، س، و فلاح، ن. (۱۳۸۷). تأثیر روش تدریس مشارکتی و روش تدریس سنتی بر پیشرفت تحصیلی و نگرش به درس معارف اسلامی در مراکز پیش دانشگاهی شهر تبریز در سال تحصیلی ۸۸-۸۷. مجله علوم تربیتی، ۴۱-۸۰.
۹. رحمانی، ص. (۱۳۹۶). اثر یادگیری مشارکتی بر مهارت‌های ارتباطی، انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور همدان.
۱۰. ژوزف، و پاملا، ب. (۱۳۸۷). پاملا بولوتین (فرهنگ‌های برنامه‌ی درسی (نظریه‌ها). (م. مهر محمدی، و همکاران، مترجم) تهران: سمت.
۱۱. سیرتی لیاولی، ف، خاک پور، م، و شاه مرادی، م. (۱۳۹۱). تأثیر روش تدریس همیاری بر نگرش و پیشرفت تحصیلی درس ریاضی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهرستان چالوس. اولین همایش حسابداری و مدیریت. دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور.
۱۲. شادکام، س، شادکام، ح، خیرتاش، ع، و افرا، ر. (۱۳۹۷). تأثیر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. پنجمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت نگر.
۱۳. صیاد پور، ز، و صیادپور، م. (۱۳۹۶). تأثیر یادگیری مشارکتی بر اضطراب و انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۹۷-۱۱۲.
۱۴. صیرفی، ن. (۱۳۷۴). تأثیر روش تدریس توأم با همکاری یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی و سبک‌های اسنادی دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
۱۵. غلامعلی لوانسانی، م. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی روش یادگیری مشارکتی بر اضطراب ریاضی و رفتار کمک طلبی. مجله روانشناسی، ۳۹۷-۴۱۱.
۱۶. قدرتی، م. (۱۳۸۰). مقایسه تأثیر یادگیری مشارکتی با یادگیری انفرادی در میزان یادسپاری، درک و فهم تجزیه و تحلیل و قضاوت اطلاعات علمی درس علوم تجربی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر قم. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
۱۷. قلتاش، ع. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی شهر کره ای ۸۲-۸۳. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه تربیت معلم تهران.

۱۸. قهرمانی، ب. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی با تاکید بر روش جیگ ساو بر مهارتهای اجتماعی دانش آموزان پسر پایه دوم کوه سبز در سال تحصیلی ۸۶-۸۷. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرو دشت.
۱۹. کرامتی، م. (۱۳۸۲). نگاهی نو و متفاوت به رویکرد یادگیری مشارکتی. مشهد: انتشارات آیین تربیت.
۲۰. کیانی، ز، و فرضعلی، ف. (۱۴۰۲). مقایسه تأثیر روش تدریس یادگیری مشارکتی (همیاری) و سخنرانی بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی به درس دین و زندگی. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۶۷-۸۵.
۲۱. محمد زاده ادملایی، ر، حسنعلی زاده روشن، ش، علوف اصغری، ف، نجفی پور تابستانق، ع، و صوابی نیری، و. (۱۴۰۰). اثربخشی یادگیری مشارکتی بر انگیزه تحصیلی، اهمال کاری و سرزندگی تحصیلی دانش آموزان دبیرستان دوره اول متوسطه شهر بابل. رویش روان شناسی، ۲۸۷-۲۹۷.
۲۲. ممبینی، ر. (۱۳۷۷). مقایسه یادگیری مشارکتی با یادگیری انفرادی بر پیشرفت تحصیلی درس زبان انگلیسی سال سوم راهنمایی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
۲۳. میکائیلی، ن. (۱۳۷۷). بررسی شیوه‌های فرزند پروری با انگیزه پیشرفت و رابطه متغیر اخیر با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر دوره راهنمایی اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
۲۴. محمدی خانقاهی، م، و حسین زاده، ا. (۱۳۹۴). تدوین و اعتباریابی مدل تدریس اثربخش برای اساتید دانشگاه تبریز. آموزش و ارزشیابی، ۲۲-۳۰.
۲۵. محمدی، آ، یار محمدی واصل، م، کرد نوقابی، ر، و جمشیدی مقدم، م. (۱۳۹۴). اثر بخشی آموزش به شیوه یادگیری مشارکتی و نقشه مفهومی فردی بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. فصلنامه فناوری آموزش و یادگیری، ۱۳۹-۱۵۸.
۲۶. مرتضوی، ح، نعمت، ر؛ سهیل ارشدی، س و آرمات، م. (۱۳۸۴). اثر بخشی کاربرد روش‌های تدریس و یادگیری تعاملی در فرآیندهای آموزشی، خلاصه مقالات هفتمین همایش کشوری آموزش پزشکی، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره ۱۴ (پيوست): ۴۶.
۲۷. نصر آبادی، ح، و نوروزی، ر. (۱۳۸۲). راهبرد های جدید آموزشی در هزاره سوم. قم: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی سماء قلم.
۲۸. نیسی، ع، تجاریان، ب، و شیخیانی، م. (۱۳۸۳). اثرات یادگیری مشارکتی و آموزش سنتی بر عملکرد تحصیلی، یادگیری مطالب، انگیزه پیشرفت و خودپنداره دانش آموزان سال دوم متوسطه نظری شهر بوشهر. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ۲۵-۴۴.
۲۹. هاشمی، ز، خالق خواه، ع، رضایی شریف، ع، و زاهد بابلان، ع. (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی آموزش یادگیری مشارکتی از نوع جیگ ساو بر خودتنظیمی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان ابتدایی. مجله مطالعات آموزش و یادگیری (مجله علوم اجتماعی و انسانی سابق)، ۱۵۴-۱۸۲.
۳۰. وندن، آ، و همکاران. (۱۹۹۸). روانشناسی برای مربیان تربیت بدنی. (م. یمنی، و م. حامدی نیا، مترجم) مشهد: انتشارات امام رضا.
۳۱. یزدان پور، ن، یوسفی، ع، و حقانی، ف. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش به روش پژوهش های مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر سوم تجربی فولاد شهر در درس آمار و مدلسازی. فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی برنامه ریزی درسی، ۸۵-۹۸.

32. Boekaerts, ,, De Koning, ,, & Vedder, P. (2006). Goal directed behavior and contextual factors in the classroom: An innovative approach to the study of multiple goals. Educational Psychologist, 41(1), 33-54.
33. Deutsch, M. (1949). An Experimental study of the effects of cooperation and competition upon group process. Human Relation, 2, 199-231.
34. Johnson, & Johnson, R. (1989). Cooperative and Cmpetition: Teory and Rsearch Dina, N Nteraction Book Company Kim, E.
35. Khan, Sh. A. (2012). The effect of cooperative learning on academic achievement of low achievers in english language in India. Language in India. 11(3): 232-243.

36. Kagan,S.(2016). Kagan Structures for emotional intelligence.Available at:
<http://www.Kagancooplearn.com/newsletter/1001/index.html>. Com /free articles/dr.
37. Lonning, R. (1993). Effect of cooperative learning strategies on student verbal interactions and achievement during conceptual change instructions and in loth grade general science. Journal of Research in Science Teaching, 30, 9, 1087-1101.
38. Mogharrabelahi, Z. (2012). New teaching Methods. Humanities Society Portal,4(5).
39. Nattive, A. (1994). Helping behaviors and math achievement gain of student's using cooperative learning. The Elementary School Journal, 94, 3, 285-297.
40. Nawaz, Q, Hussain, L, Abbas, A, & Javed, M. (2014). Effect of cooperative Learning on the academic and self concept of the students at elementary School level. Gomal University Journal of Research, 30(1): 127-135.
41. Slavin, R.E. (1984) ;" Students Motivating Student to Excell: Incentives ,Cooperative Tasks and Student Achievement ."The Elementary School Journal ”.
42. Stevens, R. J. , & Slavin, R. E. (1995). Effects of cooperative learning approach in reading and writing .Elementary School Journal, 95, 3, 241-262.

Examining the Teaching Method of Collaborative Learning and Its Impact on Enhancing Students' Motivation and Academic Progress

Ruhollah Ghorbani¹, Fatemeh Ahmadi², Farzaneh Poursoltani³

¹ Ph.D. in Quranic Sciences and Hadith, Farhangian University, Hamadan, Iran.

² BA student of social science education, Farhangian University, Hamadan, Iran.

³ BA student of social science education, Farhangian University, Hamadan, Iran.

Abstract

Collaborative learning is one of the modern educational methods that has attracted significant attention in recent years. This research is designed to examine the collaborative learning method in teaching and its impact on enhancing students' motivation and academic progress. The study adopts a descriptive-documentary approach, conducted through library research and a review of relevant documents. After clarifying the concepts and background of the research, the study explores collaborative learning, its methods, and academic progress. The results indicate that one of the most important advantages of collaborative learning is the increase in students' motivation and interest in learning, as well as their academic performance. When students work in small groups, they develop a greater sense of belonging and responsibility for their own learning, which also boosts their confidence. Through teamwork, students can share information with each other, respond to each other's questions through discussion, learn from one another, and collaborate to achieve a common outcome. This process enhances skills such as problem-solving, decision-making, and critical thinking, which are essential for success in academic subjects.

Keywords: Collaborative learning, motivation, academic progress, cooperation.
